



گروه آموزشی سلام

مجموعه کتاب‌های
مدرسهٔ بی‌جه باحالا

رفیق‌مون انگار بی‌جه پایه‌خار

تقویت مهارت گفتگو

بهاره جهانبانی فر - علی قربانی



به نام خدا

مجموعه کتاب‌های
مدرسهٔ بچه باحالا

رفیق‌مون انکار بچه پایه‌خار

تقویت مهارت گفتگو

بهاره جهانبانی فر - علی قربانی



فهرست

فصل اوّل:
الاغ گرسنه و خانم ایزابل

فصل دوّم:
معلم عجیب و جدید با اخلاق های عجیب و غریب

فصل سوّم:
گوسفند مشکل گشا

فصل چهارم:
خودشیرین یا شیرین زبان، مسئله این است؟

سخنی با والدین دغدغه مند و عزیز

امروزه فواید مطالعه کردن بویژه برای کودکان بر کسی پوشیده نیست زیرا کودکان با کتاب خواندن نه تنها دایره لغات شان تقویت می شود بلکه آن ها را با مهارت های مهم زیستی، اجتماعی خودآگاهی و... آشنا می کند.

اسم من جسی است، و از مدرسه هیلیچ خوشم نمی‌آید.

به نظر من در مدرسه به جز ساندویچ‌های کثیف بوفه البته با سس اضافه‌اش هیچ جذابیتی به خصوصی دیگری وجود ندارد.

تنها چیزی که باعث می‌شود سختی صبح زود بیدار شدن را برای مدرسه رفتن تحمل کنم، دوستان باحال و دست و پا چلفتی‌ام هستند که با کارهایشان دور هم می‌خندیم م م م.

البته این را هم بگویم که من یا کاری را انجام نمی‌دهم یا اگر مجبور بشوم که آن کار را انجام بدهم قطعاً به آن شیرین گندمک !!! نمی‌زنم.

خودتان می‌دانید که منظورم چیست...

در این چند وقتی که از شروع مدرسه‌ها گذشته است تقریباً با همکلاسی‌ها مشکلی نداشتم و همه تا حدی قابل تحمل بوده‌اند (به جز یک نفر)

ابتدا لازم است که بگویم هر آدمی که مرا بشناسد می‌داند که من با همه جور آدم کنار می‌آیم به جز آدم‌های خودشیرین‌ن‌ن‌ن

آدم‌هایی که فکر می‌کنند قندخونشان شیرین‌تر است. پس امیدوارم که شما از این دسته آدم‌های خودشیرین نباشی.

جسی جسور



همینطوری که از خبر معلم جدید مات و مبهوت بودیم. ناگهان یک خانم قد بلند و دماغ گنده با یک عینک زشت روی دماغش وارد کلاس ما شد و رفت پای تخته‌ی کلاس و بدون هیچ حرفی پشت به ما ایستاد و با یک ماژیک قرمز توی دستش، بزرگ نوشت

(خانم الیزابت)

جوری همه‌ی کلاس ساکت بود که صدای بال زدن مگس‌ها را می‌توانستی بشنوی.

همگی رو به تخته خشکمان زده بود که آقای اسکار خودشیرین و همیشه در صحنه بلند شد و گفت: به کلاس ما خوش آمدید خانم الیزابت عزیزzzzzz.

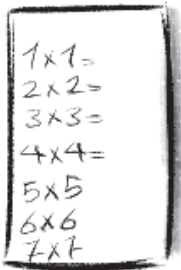
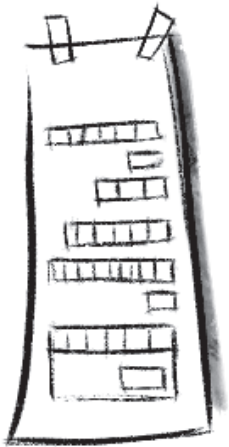
ایپیش

دلم می‌خواست همون لحظه زمین دهن باز کند و همین یک آدم را از روی صحنه هستی ناپدید کند بلکه خیال همه ما از دستش راحت شود.

خانم الیزابت هم با بی‌اعتنایی کامل گفت: تا به این لحظه هر کاری که کردید و هر جوری که بودید من

کاری ندارم اما

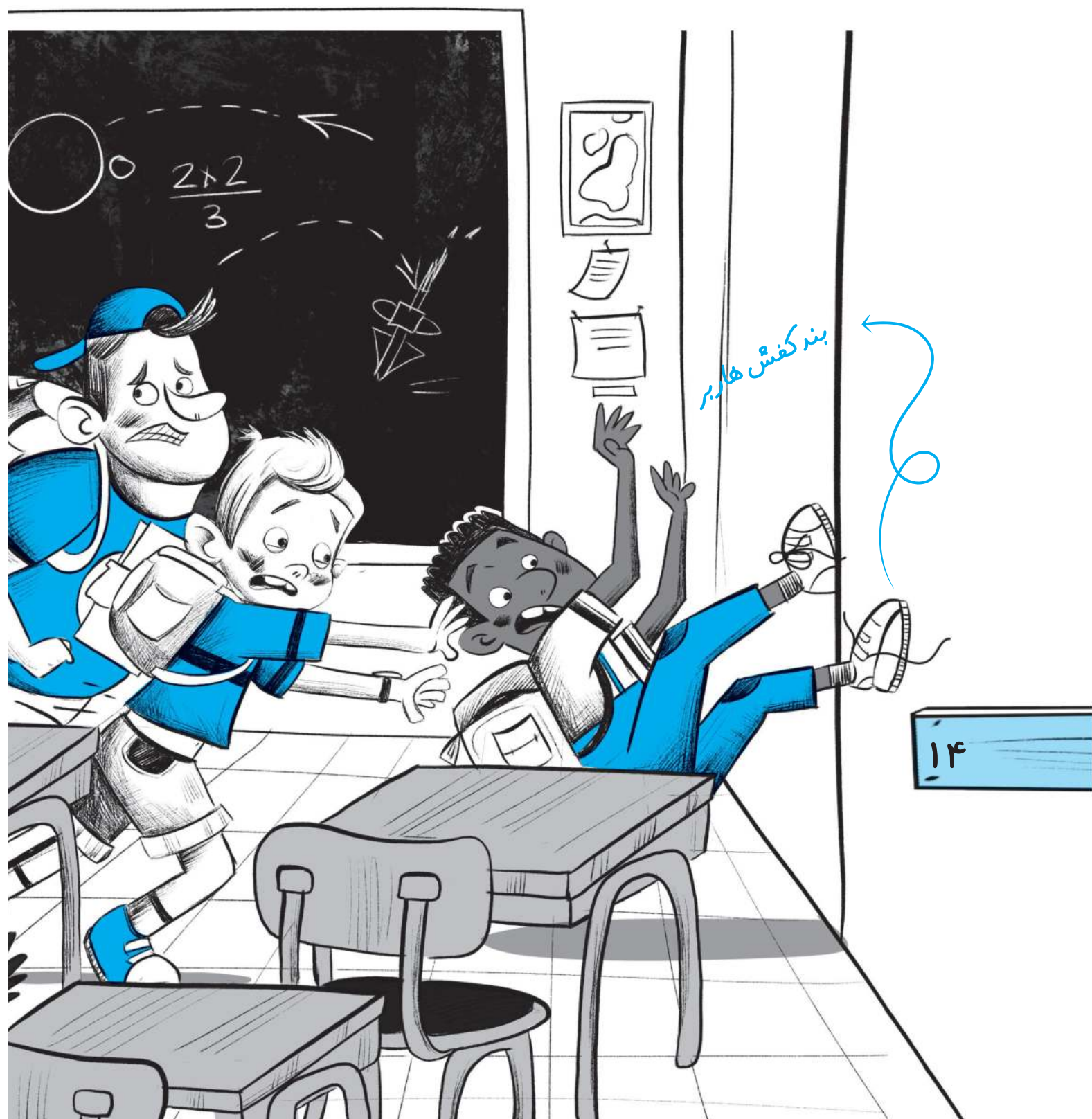
از این لحظه به بعد هر کاری که من می‌گم باید مو به مو انجام بشه و حررف حرف منه. شیرفهممم!!!!!!

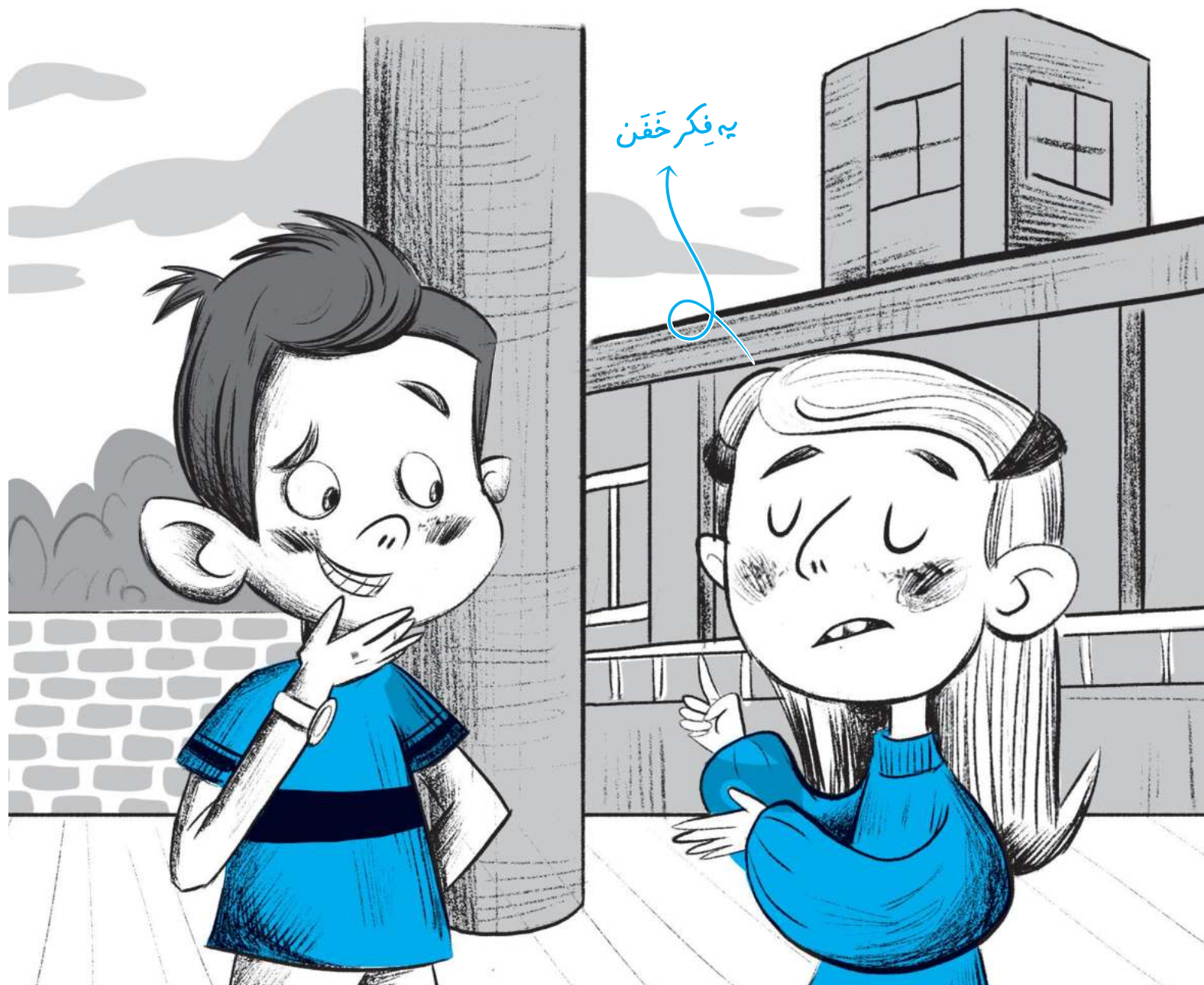


همه به خودمان ترسیده بودیم، تو دلم گفتم آخه مگه شیر هم می‌تونه بفهمه اون که یک جانوره. خانم الیزابت در ادامه با عصبانیت گفت: وقتی که میگم شیرفهمم مثل شتر و اینستید به من نگاه کنید، باید در جواب بگید

چششششششششش

فکر کنم که خانم الیزابت قبلاً معلم علوم بوده چون خیلی خوب حیوانات را می‌شناسد من که تا الان نمی‌دانستم شیر هم می‌تواند بفهمد





آییس عاقله یک فکر بادالی داشت و گفت که بیاید پشت لباس خانم الیزابت بنویسیم من یک گوسفند هستم، تا هر زمان رفت بین بچه‌ها و معلمای دیگه موجب خنده و شادی همه بشود.

وقتی این پیشنهاد رو گفت همه یک صدا گفتیم: **ایوووووول**

جاناتان گفت: فقط بفرمایید کی حاضره این کار خطرناک رو انجام بده؟؟
که باز همه با هم یک صدا گفتیم: آلییییس، کسی که پیشنهادش را داده
حتما می‌تواند از همی ما آن را بهتر اجرا کند.



فصل سوّم: گوسفندمشکل گشا

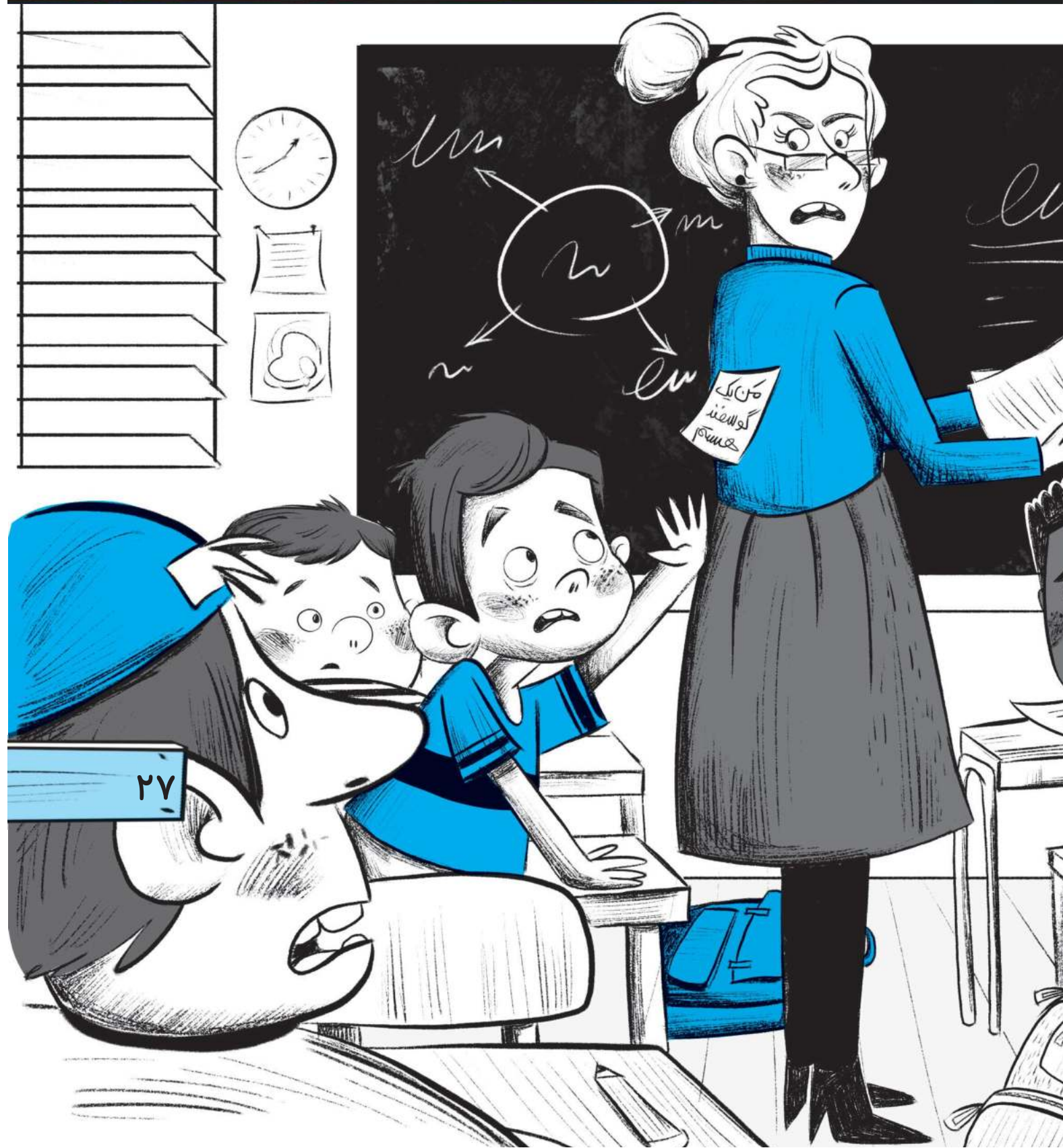
صبح روز بعد در کلاس منتظر نشسته بودیم تا خانم الیزابت از راه برسد، وای به حالمان بود اگر می دانست که چه نقشه‌ای برایش کشیده‌ایم؟ همگی خیلی استرس داشتیم که مبادا نقشه لو رفته باشد که ناگهان در کلاس باز شد و خانوم استلا معاونمان وارد کلاس شد.

تو دلم گفتم دیدی چی شد همه چی لو رفت، برای همین خانم معاون اومده تو کلاسمون که هممونو به سیخ بکشه، اگر نه قرار بود معلمون اول بیاد کارمون تمومه، تا می خواستم پاشم همه چیز را اعتراف کنم و خیلی مرامی کل نقشه را گردن بگیرم، خانم استلا گفت: فردا نفری ۱۰ دلار به عنوان هزینه جشن روز جهانی تخم مرغ به مدرسه بیاورید... آخه یکی نیست بگوید با ۱۰ دلار می توان خود مرغ را خرید چجوریه که برای جشن تخم این حیوان مهربان باید ۱۰ دلار بیاوریم.

«حالا تو بگو»

۱_ اگر تو یک معلم باشی چه قوانینی رو برای کلاست تعیین می‌کنی؟

۲_ شجاعانه‌ترین کاری که تاکنون انجام داده‌ای چه کاری بوده؟



راستش قبل اینکه به کلاس شما بیایم به من گفته بودند که قراره معلم شروترترین بچه‌های روی زمین بشوم و اگر مهربان باشم شما بی جنبه می‌شوید اما الان می‌خواهم بگویم که اگر قول بدهید بچه‌های خوبی باشید منم قول می‌دهم که برای شما معلم خوبی باشم و اینطوری شد که مثل یک فیلم هندی اشک همه ما سرازیر شد ما هم از معلممان عذرخواهی کردیم و از فردا هم قرار شد خانم الیزابت معلم ما بماند.



مشخصات کتاب

رفیقمون اُسکار یه بچه پاچه خار

عنوان کتاب

دوره ابتدایی

گروه سنی

بهاره جهانبانی فر- علی قربانی

مؤلفان

رقعی

قطع کتاب

۴۰

تعداد صفحات